روزنه

بیانیه سپاه به مناسبت روز پاسدار:

سپاه و سردارانش هیچ‌گاه به قدرت مصطلح نیندیشیده‌اند

● **فارس:** سپاه پاسداران در بیانیه‌ای با گرامیداشت فرخنده میلاد امام حسین(ع) و روز پاسدار، ضمن یادآوری کلام جاودانه حضرت امام‌خمینی(ره) که «اگر سپاه نبود، کشور هم نبود» و «ای‌کاش من هم یک پاسدار بودم»، آن را واقعیتی همیشه جاری در تاریخ انقلاب اسلامی توصیف و تصریح کرده است: «امروز سپاه پاسداران انقلاب اسلامی علاوه‌بر دستاوردهای داخلی، به اقتضای آرمان‌های انقلاب و الزامات فراروی جمهوری اسلامی ایران در شرایط پرخطر و پرتهدید معاصر، به یک بازیگر مهم و مؤثر در معادلات امنیتی غرب آسیا تبدیل شده است و با ارتقای قدرت هوشمند خود و بازنگری اندیشه مقاومت در فرهنگ سیاسی منطقه، پتانسیل و قدرتی را تولید کرده است که ملت‌های مورد تهاجم و تهدید جنگ‌های نیابتی و تروریسم تکفیری، برای همیشه خود را مدیون آن خواهند دانست».

این بیانیه ادامه داد: «اگر مقاومت‌های سپاه و هوشمندی فرمانده انقلابی و خردمند نیروی قدس و رزمندگان مدافع‌حرم نبود، امروز منطقه و بلکه سرزمین عزیزمان ایران، جولانگاه داعش و پیاده‌نظام‌های آمریکا و متحدان غربی و عربی آن و تحقق خط ژئوپولتیکی و راهبردی موردنظر آنان در غرب آسیا می‌شد. اما اینک که نه‌تنها داعش فروپاشیده است، بلکه حامیان منطقه‌ای و بین‌المللی آن سردرگم، در جست‌وجوی راهی برای نجات خود از بی‌آبرویی حادث‌شده هستند؛ هرچند این توطئه بزرگ در حقیقت زاییده تفکر و برنامه‌های سرویس‌های جاسوسی و اطلاعاتی خود آنان بوده است».

این بیانیه با اشاره به اینکه «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی موفقیت‌ها و نقش‌آفرینی‌های خود در عرصه‌های مختلف را مرهون هدایت‌های حکیمانه امامین انقلاب اسلامی و حمایت‌های مردم قدرشناس و بصیر ایران و تفکر جهادی و عمل انقلابی دانسته که برای حرکت در این مسیر مقدس، نه‌تنها کسی برای آن فرش قرمز پهن نکرده، بلکه چه‌بسا در مواقعی نیز آن را با طعنه‌ها و زخم‌زبان‌های ناجوانمردانه روبه‌رو ساخته است»، تأکید می‌کند: «سپاه افتخار می‌کند که نام سرداران و پاسداران پاک‌باخته آن همواره سرلیست تحریم‌های ظالمانه آمریکا و متحدانش است؛ سپاه افتخار می‌کند که چهره تابناک سردارانش بر تارک لیست شهدای گران‌قدر انقلاب اسلامی، دفاع مقدس، مدافعین حرم و عرصه‌های امنیت و خدمت در کشور ایران می‌درخشد».

این بیانیه با تأکید بر اینکه برخلاف جریان‌سازی‌های موهوم رسانه‌ای، سپاه و سرداران خدوم آن هیچ‌گاه به قدرت مصطلح که بسیاری در عطش دستیابی به آن به هر قیمتی هستند، نیندیشیده و صرفا به تکلیف الهی خود در تحقق آرمان‌های انقلاب و سربلندی ملت شریف ایران می‌نگرد، افزوده است: «سپاه افتخار می‌کند که نام سرداران غیرتمند، انقلابی و ولایی آن همواره در زمره اهداف سرویس‌های جاسوسی و جوخه‌های ترور منافقین، صهیونیست‌ها و حامیان غربی و منطقه‌ای آنان قرار دارد؛ سپاه افتخار می‌کند که همواره در تلخی‌ها و شیرینی‌های روزگار در کنار مردم شریف ایران بوده و زلزله‌زدگان کرمانشاه، ورزقان، بم و گرفتارشدگان در سیل و برف طی سالیان اخیر شاهدان صادق و فهیم این حقیقت هستند».

این بیانیه می‌افزاید: «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در سال جاری نیز به‌شدت مورد هجمه سردمداران نظام سلطه و صهیونیسم قرار گرفته است، به‌گونه‌ای که رئیس‌جمهور جنایت‌کار و بی‌خرد آمریکا در پیام به‌اصطلاح تبریک نوروزی خود به ملت ایران، بخش عمده‌ای از خزئبلات خود را معطوف به سپاه و سرداران سرافراز آن داشته است و در کمال تأسف در داخل نیز شاهد هستیم برخی دانسته یا نادانسته برای نصیحت!؟ و یا سرزنش!؟ هم‌نوایی با آنها را در دستور کار قرار داده و دستاویز لازم برای تهاجم سازمان‌یافته رسانه‌های بیگانه و ضدانقلاب و مزدوران داخلی آنان را فراهم می‌سازند».

این بیانیه در پایان با تأکید بر اینکه «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی همواره شاکر الطاف و عنایات الهی بوده و با ابراز شرمندگی به شهدای عزیز، به پیشگاه بیان‌گذار فقید جمهوری اسلامی، مقام معظم رهبری و فرماندهی کل قوا حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) و ملت عظیم‌الشأن ایران سر تعظیم فرود می‌آورد که به دلیل تمرکز ظرفیت‌ها برای تأمین امنیت پایدار و مقابله با دشمنان و خنثی‌سازی توطئه‌های آنان؛ به‌رغم تمامی تلاش‌ها نتوانسته است در تراز انقلاب اسلامی در حوزه رفاه و معیشت نیز نقش‌آفرینی و خلأهای ناشی از کم‌کاری برخی دستگاه‌ها را مرتفع نماید»، آورده است: «نظر به اهمیت و ضرورت راهبردی «وحدت» و یک‌پارچگی ملی و «هم‌دلی» و هم‌افزایی همه بخش‌های نظام و ظرفیت‌های کشور، «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی» همواره از پرداختن به موضوعاتی که در بزنگاه‌های مختلف تاریخی و زمانی، چه‌بسا نیازمند شفاف‌سازی برای افکار عمومی بوده است، از موضع‌گیری‌ها پرهیز کرده است؛ اما در ماه‌ها و روزهای اخیر در فضای عمومی کشور اقدامات وحدت‌شکن و اختلاف‌برانگیزی توسط برخی اشخاص و رسانه‌ها صورت پذیرفته است که منجر به صدور این بیانیه برای تنویر افکار عمومی و ثبت در تاریخ شده است».

politics@sharghdaily.ir

گفت‌وگو با حسین جابری‌انصاری، دستیار ویژه وزیر خارجه، درباره بحران سوریه

هر بازیگر باید خودش منافع خود را نمایندگی کند

عکس: رئوفه رستمی، شرق

زینب اسماعیلی: هنوز بیش از یک مقام دیپلماتیک تحلیلگری‌اش به چشم می‌آید؛ اگرچه حواس او کاملا به خطوط قرمز هست و یادش نمی‌رود روی میز مذاکره، مقابل نماینده همین کشورهایی می‌نشیند که من مدام در مصاحبه عملکردشان را نقد می‌کنم. هنوز اصلی‌ترین پرونده‌ای که در دست حسین جابری‌انصاری، دستیار ویژه وزیر امورخارجه ایران در امور سیاسی قرار دارد، بحران سوریه است. او یک‌سال‌ونیم است که رئیس تیم مذاکره‌کننده ایران در مذاکرات آستانه است؛ مذاکراتی که نباید از نظر دور داشت از نقطه صفر آغاز شده و خیل ۱۹ کشوری را که با وزرای خارجه‌شان مدعی مذاکره درباره سوریه بودند، جا گذاشته و به چارچوب‌هایی سیاسی برای حل نقطه بحران در سوریه رسیده است. اما روسیه، ایران و ترکیه هر کدام در سوریه دنبال آنچه هستند که می‌تواند در نگاه اول خلاف منافع دیگری باشد. در گفت‌وگویم با انصاری بر آنچه در عفرین گذشت، تأکید بیشتری کردم چون آنچه در این کانتون گذشت نشان می‌دهد آنکارا هنوز می‌تواند «بازی‌برهم‌زن» این صحنه باشد. همان‌طورکه از رضایتش از عملکرد آمریکا در بمباران سوریه دیدیم...

تأثیر موشک‌باران آمریکا و متحدان اروپایی‌اش بر معادله سوریه چیست؟ و چقدر توانسته این معادله را تغییر دهد؟

تهاجم موشکی آمریکا، انگلیس و فرانسه به سوریه تأثیرگذاری آنی بر معادله سوریه و توازن قوای شکل‌گرفته در این کشور را ندارد، اما توجه به اهداف واقعی این عملیات می‌تواند به شناخت سیاست و اولویت‌های سوری سه کشور مهاجم و همچنین روندهای آتی محتمل کمک کند.

هدف ظاهری اعلام‌شده تنبیه دولت سوریه به‌دلیل استفاده از سلاح‌های شیمیایی در نبردهای اخیر غوطه شرقی دمشق بوده، اما مشخص است که اهداف دیگری در پس این تهاجم قرار دارد؛ چون اگر آن‌گونه که ادعا می‌کنند هدف برخورد با به‌کارگیری سلاح شیمیایی بود، باید تا اعزام هیئت سازمان منع سلاح‌های شیمیایی و اعلام نتایج تحقیقات این سازمان صبر می‌کردند. در شرایطی که اصل وقوع بمباران شیمیایی از سوی روسیه و دولت سوریه و ناظران بی‌طرف نفی شده است، سرعت در انجام تهاجم موشکی به سوریه به‌صورت خودسرانه از سوی چند کشور در تناقض آشکار با قوانین بین‌المللی و ضوابط حقوق بین‌الملل بوده و نشان می‌دهد که این سه کشور اهداف و دغدغه‌های دیگری جز برخورد با به‌کارگیری سلاح‌های شیمیایی داشته‌اند.

اگر به اظهارات مقامات سه کشور پس از تهاجم موشکی مبنی بر ضرورت حل مسئله سوریه در چارچوب روند ژنو (طبعا با تفسیر موردنظر آنان از این روند) توجه شود، برخی اهداف آنها از این عملیات مشخص می‌شود. واقعیت این است که روند تحولات میدانی و سیاسی سوریه در یک‌سال‌ونیم اخیر در مسیری حرکت کرده که این سه بازیگر بین‌المللی بحران سوریه را در حاشیه قرار داده است. در سطح میدانی، اعاده سیطره دولت سوریه بر حدود ۷۰ درصد سرزمین این کشور که آخرین نمود آن در پیروزی دولت در منطقه غوطه دمشق بروز یافت، برای این سه کشور مطلوب نیست چون به تقویت و تثبیت دولت سوریه منجر شده که در طراحی‌های استراتژیک سه قدرت غربی باید حذف یا حداقل به‌شدت تضعیف می‌شد؛ ضمن اینکه این موفقیت‌ها با همراهی و حمایت آشکار ایران و روسیه محقق شده و عملا منجر به تثبیت و تعمیق تأثیرگذاری این دو کشور شده است که این نیز از سوی سه قدرت غربی مهاجم به سوریه پذیرفتنی نیست.

در سطح سیاسی نیز شکل‌گیری روند «آستانه» و دستاوردهای آن در زمینه ایجاد مناطق کاهش تنش و برگزاری کنگره گفت‌وگوی ملی سوریه در سوچی، عملا نقش‌آفرینی سیاسی سه کشور غربی در تعیین سمت‌وسوی آینده سوریه را به حداقل رسانده است. از این منظر، یکی از اهداف سرعت در انجام تهاجم موشکی به سوریه پیش از قطعی و روشن‌شدن اصل وقوع بمباران شیمیایی و عاملان احتمالی آن، تلاش برای اعلام حضور این سه کشور در صحنه و تحمیل این حضور بر بازیگران دیگر، به‌ویژه دولت سوریه، روسیه و ایران است؛ به عبارتی سه کشور با این عملیات می‌خواهند ثابت کنند که علی‌رغم تحولات عمیق یک‌سال‌ونیم اخیر، هنوز نقش‌آفرینی و ابتکار عمل برای تأثیرگذاری بر صحنه سیاسی و میدانی سوریه را دارند. میزان تحقق این هدف به عوامل متعددی از جمله سمت‌وسوی تحولات آینده و ابتکار عمل بازیگران مقابل این سه کشور در صحنه سوریه بستگی خواهد داشت.

چند ماه گذشته کانتون عفرین صحنه نزاع و درگیری بود. ترکیه در عفرین دنبال چه چیزی بود؟

بحث عفرین در واقع نمادی از پیچیدگی‌ها و درهم‌تنیدگی‌های صحنه سیاست و جامعه و همه ابعاد بحران سوریه و منطقه است. در عفرین یک بازیگر عمده کردی داریم. در تحولات حدود یک دهه اخیر -کمی بیشتر یا کمتر- برخی سیاست‌مداران کُرد فکر کردند که این یک لحظه طلایی و نقطه‌عطفی است که قابلیت بهره‌برداری حداکثری دارد. این اتفاق به‌طور مشخص در سوریه و عراق رخ داد. ترکیه در طراحی استراتژیک خود فکر می‌کند از این مسئله بیشترین صدمه را خواهد دید -به لحاظ راهبردی و ژئوپلیتیک و ابعاد مختلف سیاسی و اجتماعی- به‌دلیل اینکه مسئله کردی یک مسئله مهم در ترکیه است و دهه‌هاست جنگ و درگیری بین برخی نیروهای کردی ترکیه با دولت مرکزی در جریان بوده و حزب حاکم فعلی (از سال ۲۰۰۲ تاکنون) هم این وضعیت را از قبل به ارث برده است و امر جدید و مختص به این دولت نیست، ولی درحال‌حاضر مسئله کردی، مسئله درجه نخست برای امنیت ملی ترکیه است؛ هم در ابعاد درون ترکی و هم در ابعاد برون ترکی و منطقه‌ای. چون در حدود یک دهه اخیر تحولاتی در مناطق کردنشین سوریه و عراق رخ داده و این بستر را فراهم کرده که برخی نیروهای کردی فکر کنند می‌توانند از آن برای تشکیل یک هویت مستقل کردی و موجودیت سیاسی به‌هم‌پیوسته در این منطقه استفاده کنند، امری که از دید ترکیه تهدید درجه یک امنیت ملی است. بُعد دیگر موضوع از دید ترکیه این است که اگر این هویت کردی در سوریه و عراق به‌عنوان یک موجودیت سیاسی شکل بگیرد، عملا ترکیه را از منطقه عربی جدا می‌کند؛ یعنی ترک‌ها برای ارتباط با منطقه عربی باید از مانع منطقه کردی رد شوند که روابط ساکنانش با دولت مرکزی ترکیه چند دهه است در شرایط جنگ و نبرد تعریف شده است، بنابراین این مسئله هم به دلایل داخلی و هم خارجی مسئله درجه اول امنیت ملی ترکیه محسوب می‌شود. این نوع نگاه ترکیه به مسئله کردی و روندهای جاری آن است؛ اما از دید ناظر بیرونی در تحولات هفت‌ساله گذشته سوریه و بیش از یک دهه گذشته عراق و منطقه، خود ترکیه یکی از عوامل مؤثر در تضعیف دولت‌های مرکزی سوریه و عراق بود و زمانی که دولت مرکزی این کشورها تضعیف شد، عملا میل به جدایی‌طلبی در سوریه و عراق افزایش پیدا کرد. ترکیه در گذشته فکر می‌کرد بازیگر بزرگی است و تصور می‌کرد با مجموعه ابزارهای بازی که در اختیار دارد، در نهایت این روندها در مسیری هدایت نخواهد شد که برایش تهدیدی بزرگ باشد، اما عملا ترکیه در یکی، دو سال گذشته، در فصل درو و برداشت مشاهده کرد اتفاقات به سمت‌وسویی می‌رود که آنکارا نه فقط برنده تحولات نیست، بلکه تحولات واقعی از این استعداد برخوردار است که ترکیه را به بازنده بزرگ تبدیل کند؛ یعنی ترکیه می‌خواست در سوریه تغییر اعمال کند و دولت این کشور سرنگون شود، اما نه‌تنها دولت سرنگون نشد، بلکه در واقع دولتی تثبیت شد که به‌دلیل سیاست ضدسوری ترکیه در چند سال گذشته درحال‌حاضر ضدیتی ویژه نسبت به این کشور دارد و در مسیر موفقیت‌های متوالی سیاسی و نظامی قرار دارد. در عراق نیز مشابه همین وضعیت اتفاق افتاده است. در مجموع در مسئله کردی که به جنبه‌هایی از ابعاد آن اشاره کردم، گوی آتشینی در منطقه راه افتاده که به‌دلیل عوامل مختلف از جمله تضعیف دولت‌های مرکزی در بغداد و دمشق، به یک تهدید عمده امنیت ملی برای ترکیه تبدیل شده و مجموعه این شرایط در واقع سیاست‌مداران ترکیه را در برابر انتخاب‌های سخت قرار داده است، برای اینکه بتوانند با مجموعه اقدامات سیاسی و نظامی مانع تبدیل ترکیه به بازنده بزرگ هم در سطح منطقه‌ای و هم در سطح درونی شوند.

این تحلیل ژئوپلیتیک آنچه بود که در عفرین گذشت. ایران و روسیه از همان ابتدا مخالف اقدام ترکیه در عفرین بودند. سخنگوی دستگاه دیپلماسی در کشور خواست هرچه سریع‌تر این عملیات متوقف شود؛ اما گویا این مخالفت خیلی ظاهری بود و ما نشانه‌ها و نمود دیگری از سوی ایران در مخالفت با عملیات عفرین ندیدیم. گویی ترکیه به همان دلایلی که شما در بالا برشمردید، محق شناخته شد هرگونه که می‌خواهد در عفرین عمل کند؟

واقعیت این است که ایران موضعش را در عالی‌ترین سطح، در اجلاس سران در آنکارا اعلام کرد. ما ضمن درک و فهم نگرانی‌های ترکیه از زاویه تهدیدهای امنیت ملی با نقض تمامیت ارضی و حاکمیت ملی سوریه مخالفیم و این را در عالی‌ترین سطوح سیاسی و دیپلماتیک، هم در مذاکرات و هم در صحنه علنی و موضع‌گیری‌ها اعلام کرده‌ایم. هرگونه عملیات در خاک سوریه و عراق بدون هماهنگی با دولت مرکزی قابل پذیرش نیست، هرچند مبتنی بر نیازهایی قابل فهم باشد. در عملیات عفرین حاکمیت ارضی سوریه نقض شده و ما مخالف این هستیم. موضع روسیه را هم باید جداگانه نگاه کرد. روس‌ها براساس مجموعه اهداف و نیازهایشان و مجموعه تعاملاتی که با بازیگران مختلف دارند، اولویت‌های خودشان را تعیین می‌کنند. درباره عفرین هم تا قبل از اظهارات اخیر آقای لاوروف درباره ضرورت تحویل عفرین به دولت سوریه، ترجیح دادند بیشتر نظاره‌گر باشند و موضع‌گیری فعالی نداشته باشند. ما با بازی برخی قدرت‌های بین‌المللی و عدم فهم برخی بازیگران محلی که در جهت تجزیه سوریه و عراق و کشورهای منطقه تلاش می‌کنند، مخالف هستیم و معتقدیم هرگونه بازی دارای نتایج تجزیه‌طلبانه نه فقط به تحقق منافع آن گروهی که دنبال‌کننده این مسئله است، منجر نخواهد شد، بلکه امنیت و موجودیت ملی و همزیستی طبیعی ملت‌های منطقه را با مشکل مواجه خواهد کرد. بیشتر بازیگران بیرونی با تحریک این نوع جدایی‌طلبی‌ها دنبال این هستند که بتوانند اهداف خودشان را در این آب گل‌آلود و در این شرایط و بستر درهم‌تنیده و دعوا و تناقض‌ها محقق کنند؛ بنابراین ما با هر اقدامی در جهت تجزیه کشورهای منطقه از جمله سوریه و عراق به شکل کاملا صریح و شفاف مخالفیم و مجموعه موضع‌گیری و عملکرد جمهوری اسلامی در تعارض با این اتفاق بوده است و از این نظر سیاست روشنی را دنبال می‌کنیم؛ اما از یک زاویه دیگر کردها را یکی از اجزای تاریخی مردمان منطقه می‌دانیم و معتقدیم حقوق شهروندی کردها در تمامی ابعادش باید در کشورهای منطقه به رسمیت شناخته شود و دولت‌های مرکزی عراق و سوریه را برای اتخاذ سیاست‌هایی مبتنی بر به‌رسمیت‌شناختن حقوق کامل شهروندی کردها تشویق می‌کنیم.

برمی‌گردم به سؤالی که درباره مخالفت ظاهری پرسیدم؛ یک‌سال‌ونیم است که در آستانه و سوچی سه کشور یعنی ایران، روسیه و ترکیه همراه نماینده دولت دمشق و معارضان در حال مذاکره هستند؛ اما یکی از شرکای مذاکره تصمیم می‌گیرد که در نقطه‌ای از کشور مورد مذاکره، عملیاتی انجام دهد یا به قول برخی تسویه‌حساب سیاسی کند، اما شما که دور میز مذاکره نشسته‌اید نمی‌توانید مانع او شوید. موضوع عفرین گذشت، اگر روسیه یا ترکیه تصمیم بگیرند در نقطه دیگری از سوریه عملیات جدیدی انجام دهند آیا در این مذاکرات قدرت بازدارندگی وجود دارد؟

مداخله ترکیه در صحنه بحران سوریه به هفت سال گذشته برمی‌گردد؛ نه به تاریخ مذاکرات آستانه. دولت ترکیه سیاستی مبتنی بر دخالت در سوریه برای سرنگونی دولت سوریه را در پیش گرفت. آستانه در واقع چارچوبی است برای پذیرش این نکته از سوی ترکیه که سرنگونی دولت سوریه پایان یافته است. ترکیه می‌پذیرد در قالبی در کنار دو بازیگر دیگر صحنه سوریه قرار بگیرد که هر دو از دولت مرکزی سوریه در بحران چندساله گذشته حمایت کردند و با مداخله کشورهای خارجی در سوریه و تضعیف دولت مرکزی و حمایت از گروه‌های تروریستی و مجموعه شرایطی که به بی‌ثباتی و ازهم‌پاشیدگی و بحران وسیع در سوریه منجر شد، مخالف بودند. وقتی ترکیه می‌پذیرد در کنار دو بازیگری که در نقطه مقابل او در صحنه سوریه نقش‌آفرینی کردند، قرار بگیرد؛ یعنی این ترکیه است که هدف‌گیری کلان استراتژیک خودش را در سوریه تغییر داده، نه روسیه و ایران. اما آیا معنایش این است که ترکیه همه اهداف خود را رها کرده و به بازیگری خنثی تبدیل شده؟ طبیعتا نه. ترکیه حالا که نتوانسته برنده صحنه سوریه باشد، می‌خواهد دست‌کم بازنده بزرگ صحنه سوریه هم نباشد و از پیروزی مطلق به شکست مطلق میل نکند. این کف خواسته ترکیه است؛ اما طبیعی است که به این کف هم راضی نیست. تلاش می‌کند تا جایی که می‌تواند، ابزارهای در اختیار خود را فعال و حداقلی از منافعش را تأمین کند. بازی‌های بین‌المللی این‌گونه است. شما وقتی وارد یک بازی چندضلعی می‌شوید، می‌پذیرید که طرف مقابل هم شریک شماست. یک دادوستد اتفاق می‌افتد. باید دید چه گرفته می‌شود و چه داده می‌شود. ترکیه به‌عنوان بازیگر درجه‌یک صحنه سوریه که دنبال سرنگونی دولت سوریه بوده، وقتی وارد معادله آستانه شده و در کنار ایران و روسیه قرار می‌گیرد، در عمل با استراتژی مبتنی بر سرنگونی اسد خداحافظی کرده و به سطوح پایین‌تری از این هدف گرایش پیدا کرده است.

این بازیگری در نقطه عفرین یعنی عملیات نظامی ترکیه، در صورتی است که سه کشور پای میز مذاکره برای حل سیاسی مسئله نشسته‌اید.

نقش ترکیه در سوریه از ابتدای بحران، مبتنی بر سطوحی از مداخله نظامی بود. هیچ وقت کارکرد بنگاه خیریه یا شعارپراکنی نداشت. دولت ترکیه از ابتدای بحران سوریه مداخله گسترده در صحنه بحران و حمایت از گروه‌های مسلح معارض با سوریه را در دستور کار خودش داشته و این امر جدیدی نیست.

ادامه در صفحه ۶

الو شرق ۸۸۶۴۰۲۶۰

sharghline@sharghdaily.ir

پیامک: ۳۰۰۰۴۶۹۹

● **میوه‌های فریبنده!** برخی از فروشندگان میوه، به‌ویژه وانت‌بارها، در جاده تهران-کرج، مقابل کارخانه ایران‌خودرو، انار و هندوانه رنگ‌شده را از سوی افرادی که کیلومترها جلوتر میوه‌ها را دستشان گرفته‌اند تا مشتریان را جلب کنند، به فروش می‌رسانند! این هم نمونه‌ای از گول‌زدن مردم با کارهای غیرانسانی است که عده‌ای برای به‌دست‌آوردن پول به کارهای غیرمتعارف متوسل می‌شوند.

وحید از مارلیک

● **درخواست و پیشنهاد به وزارت علوم و سازمان سنجش:** به دلیل اینکه تداخلی بین کلاس‌های درس و مطالعه برای کنکور صورت نگیرد، پیشنهاد می‌شود مثلا کنکور لیسانس در تیر، کنکور فوق‌لیسانس در مرداد و کنکور دکترا در شهریور برگزار شود.

یک مخاطب

● آقای وزیر بهداشت اگر می‌خواهید مشکلات واقعی طرح‌های در حال اجرا در بخش بهداشت را متوجه شوید و جلوی میلیاردها تومان هزینه در بخش بهداشت و درمان را بگیرید، باید ارتباطی مستقیم و بی‌واسطه با محیطی‌ترین نیروها داشته باشید. فقط کافی است شماره یکی از مراکز جامع سلامت را بگیرید و دستور فاکس مشکلات را از سوی همه نیروهای شاغل مستقیما به اتاق خودتان بدهید.

یک مخاطب

● **میدان شوش را دریابید!** بارها مشکلات میدان شوش رسانه‌ای شد، اما مسئولان برای رفع آنها هیچ کار درخور توجهی انجام ندادند؛ برای نمونه: ۱- در میدان شوش هر ساعت از روز یا شب، عده‌ای از افراد بی‌کار، معتاد یا فروشندگان لوازم مسئله‌دار را مشاهده می‌کنید که در وضع اسفباری در آنجا حضور دارند و جای سوزن‌انداختن نیست. ۲- پیاده‌روها با وجود افراد معلوم‌الحال، چهره‌ای زشت و بدمنظر گرفته و غیرقابل‌تحمل است. ۳- ساکنان، کاسبان و رهگذران تا کی قرار است این وضع را مشاهده و تحمل کنند؟

یک مخاطب از تهران

● **بی‌کاری جوانان و مشکل ازدواج:** بسیاری از جوانان تحصیل‌کرده و بی‌کارند و این مسئله باعث شده نتوانند به‌موقع ازدواج کنند. مسئولان هم نتوانسته‌اند شرایطی فراهم کنند که جوانان پس از فارغ‌التحصیلی بتوانند کار درخور شأنشان را بیابند. مشکلات جوانان تحصیل‌کرده و بی‌کار باعث شده آنان خود را سربار جامعه و خانواده احساس کنند.

عرفان از تهران